

افشاریه، عصر آب و آتش

حسین بیات| پاسخ این ره کارچا پایان مرداد هر سال میزبان نامی است که ریشه در روزهای سخت جنگ دارد، باید در برگ‌های تقویم سال ۱۳۶۸ جست‌وجو کرد، همان سالی که با پایان یافتن جنگ تحمیلی، ضرورت یکپارچه‌سازی توان صنعتی و فنی نیروهای مسلح بیش از پیش احساس شد. مجلس شورای اسلامی در ۳۱ مرداد همان سال رأی به ادغام وزارت دفاع و وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داد و بدین ترتیب «وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح» متولد شد، نهادی که طراحی، تولید و تأمین تسلیحات و تجهیزات نیروهای مسلح را رسماً زیر چتر خود گرفت.

اما حدود دوده‌ه طول کشید تا این روز تاریخی صاحب عنوان رسمی شود. سال ۱۳۸۹، به پیشنهاد وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، با موافقت فرماندهی وقت کل قوا و تصویب شورای فرهنگی عمومی کشور، ۳۱ مرداد به‌عنوان «روز صنعت دفاعی کشور» در تقویم رسمی ثبت شد؛ اما باید بدانیم که این روز، روز تجلیل از یک صنعت نیست؛ روز تجلیل از اراده ملتی است که در همه دوره‌های تاریخی تلاش کرده است چه با دست، دانش و اراده خود، چه با بومی‌سازی امکانات موجود دربرابر دشمنانش بایستد. در گزارش پیش‌رو مروری داشته‌ایم بر نخستین تلاش‌های ایرانیان برای بومی‌سازی و ساخت اسلحه در دوران صفویه و افشاریه.



مجموعه‌ای از تفنگ‌های شمال در موزه کاخ توپ‌قایی در استانبول



خمپاره انداز ایرانی در حال کار با زنبورک در قرن ۱۷ میلادی

● شروع ایرانیان با «تفنگ عجمی» اگرچه زمان دقیق استفاده از باروت به عنوان خرج پرتابه جنگی، به‌طور دقیق تعیین نشده است. زمان استفاده از آن به قرن ۱۴ میلادی برمی‌گردد. تاریخچه استفاده از سلاح گرم در ایران به دوران حکومت صفویان باز می‌گردد. سلسله صفویه در سال ۹۰۵قمری توسط شاه اسماعیل اول برسرکارآمده‌که سلطنتش مقارن بود با دوران اقتدار دولت پرتغال، پرتغالی‌ها با دو هدف «قرار دادن جزیره هرمز به عنوان مرکز بازرگانی خویش» و نیز، تضعیف امپراتوری مقتدر عثمانی که خواسته‌پادشاهان عیسوی اروپا بود، «درصدد برآمدند که ارتش شاه ایران را با سلاح گرم آشنا کنند. پرتغالی‌ها برای رسیدن به این منظور زبده‌ترین جوانان هنگ پنج‌هزارنفره باسداران شاهی را که به «قورچی‌ها» معروف بودند، انتخاب و آن‌ها را به تفنگ‌های فیتیه‌ای تجهیز کردند. سلاح‌های مرسوم سواره نظام این دوره شمشیر کج، یک جفت تپانچه، نیزه و تیر و کمان بود؛ ازاین‌رو شاه اسماعیل اول برای تعلیم تیراندازی با تفنگ به سربازانش، مصلمان فرانسوی و انگلیسی را به‌کار گرفت. در این دوره ۶هزار قبضه تفنگ از انگلیس وارد شد تا تفنگ‌ها را از روی آن‌ها بسازند. به نوشته راجر سیوری که از برجسته‌ترین مورخان تاریخ صفویه است، ایرانیان در این مرحله از تفنگ‌های فیتیه‌ای استفاده می‌کردند که به «فنگ عجمی» شهره بود و «دارای برد زیادی بود و لوله آن به طرز خاصی به قنداق بسته می‌شد.» البته باید گفت که تلاش جدی برای تجهیز قشون ایران به سلاح آتشین، حتی قبل از جنگ چالدران آغاز شد و پس از گذشت یک دهه، در سال‌های نخست سلطنت شاه طهماسب اول، آتارش را نمایان ساخت. در این مرحله توپچیان و تفنگچیان ایران دارای واحدهای مستقلی بودند، چنان که یکی از عوامل پیروزی سپاه ایران بر ازبکان و اخراج آنان از هرات، استفاده از همین توپچیان و تفنگچیان و مهارت زیادشان در کاربرد سلاح‌های آتشین بود. در اواخر سال ۱۰۰۶قمری (مصادف با ۱۵۹۸میلادی) دو برادر انگلیسی به نام‌های اتنولی و واربرت شرلی به همراه یک گروه ۲۶نفری که همه آن‌ها نظامی بودند، به قزوین وارد شدند و نزد شاه عباس صفوی رفتند و خود را به عنوان دو نفر از نجای انگلیسی معرفی کردند که مایل به خدمتگزاری شاه هستند. از آنجا که چندتن از همراهان برادران شرلی به اصول توپ‌ریزی و اسلحه‌سازی آشنایی داشتند، ساخت توپ و تفنگ در ایران رونق بیشتری گرفت؛ ضمن اینکه ا...وردی‌خان که فرمانده قوای سلطنتی بود، به سمت

یکی از اتفاقات ویژه‌ای که در دوره نادرشاه افشار افتاد، شکل‌گیری یک نیروی دریایی منسجم بود.تاپیش از او، به جزه‌خامنشیان، هیچ‌شاهی برای ایجاد یک نیروی دریایی منسجم اقدام نکرده بود. اگرچه در همه این سال‌ها تجارت دریایی و کشتی‌رانی تجاری رونق داشت و تجار ایرانی از زنگبار در کشور آفریقاتاسری لانکا،مالزی،چین وهند مشغول تجارت و دریانوردی بودند.بااین حال دریانوردی نظامی و ساخت کشتی‌های جنگی هیچ‌گاه رخ نداده بود.اولین برخورد ایرانیان با کشتی‌های جنگی مدرن مجهز به توپ در دوره شاه اسماعیل صفوی بود. آلفونسو آلبوکرک، دریاسالار معروف پرتغالی در سال ۱۵۱۴ میلادی به هرمز حمله کرد و آن را به تصرف کامل خود درآورد و سیف الدین، حاکم هرمز، را به صورت امیر خراج‌گزار پرتغال در رأس حکومت هرمز گمارد.

شاه اسماعیل که درگیر نبرد با ازبکان و عثمانی‌ها و سرکوب شورش‌های داخلی بود، نتوانست اقدام مؤثری در برابر این تجاوز انجام دهد، به این ترتیب پرتغالی‌ها به مدت ۱۱۵سال در هرمز ماندند تا اینکه شاه عباس صفوی در سال ۱۶۲۲میلادی با کمک انگلیسی‌ها جزیره هرمز را از اشغال آنان خارج ساخت. در این دوره اگرچه تسلیحات مورد نیاز برای یک کشتی جنگی در زرادخانه‌های ارتش صفوی موجود بود و حتی دریانوردان و ملوانان قابلی نیز در جنوب ایران بودند که می‌توانستند به تشکیل نیروی دریایی ایران در آن دوران کمک کنند، اما چنین اتفاقی هرگز نیفتاد و با امضای موافقت‌نامه بین ایران و امپراتوری انگلیس، کشتی‌های نیروی دریایی انگلستان نقش پشتیبانی دریایی را در خلیج فارس به عهده گرفتند.

اصلی‌ترین دغدغه نادر بعد از اتحاد دوباره ایران چندپاره اواخر صفوی، تعقیب نیروهای فراری اشرف افغان بود که به نقاط مختلف گریخته بودند. بخشی از این نیروهای فراری راهی بنادر و جزایر خلیج فارس شده بودند، ازاین‌رو نادرشاه، لطیف خان، سردار خود، را برای تعقیبشان به جنوب فرستاد.



لشکر نادرشاه علاوه بر سلاح‌های سرد به صورت هوشمندانه‌ای از تفنگ و توپ استفاده می‌کرد

او نوشته است: «زنبورک را اولین بار افغان‌ها به وجود آوردند و در اواخر عهد صفویه باعث پیروزی آن‌ها بر سپاه صفوی نیز شد. بعدها نادر از آن‌ها اقاقتباس کرد و زنبورک‌ها را به خوبی مورد استفاده قرار داد... در دو طرف جهاز شتر زنبورک، دو کیسه چرمی مشکی می‌آویختند که در آن مهمات حمل می‌شد، در انتهای جهاز میله‌ای قرار داشت که در آن پرچم قرمزی می‌نهادند و با پارچه‌ای بنام شبارق روی آن رامی‌پوشاندند. به علاوه، یک مشک پرآب نیز زیر شکم شتر می‌بستند...» منابع تاریخی به اتفاق، برد تیر زنبورک را زیاد نمی‌دانند. زنبورک می‌توانست در حدود صد تا ۱۵۰ ساجمه به اندازه فندق یا گردوی بزرگ‌کردن نیروی دریایی خود بود و به کار مدت هاتصمیم گرفت یک کارگاه کشتی‌سازی در بوشهر ایجاد کند. مشکل اصلی در این مسیر، نبود چوب مناسب در سواحل خلیج فارس بود، برای همین قرار شد مقدار زیادی الوار از مازندران به سمت جنوب حمل شود. اگرچه به دلیل مشکلات فنی فراوان و فقدان تجربه ایرانیان در کشتی‌سازی و همین‌طور کارشنکی‌های خارجی، این کارگاه کشتی‌سازی نتوانست در کچندانی انجام دهد، اما نادر از پای ننشست و با روش‌هایی مانند توقیف، هدیه و خرید توانست حدود بیست کشتی جنگی برای نیروی دریایی ایران فراهم کند.

- رؤیای نادر برای دریای کاسپین

جالب است که تلاش‌های نادر فقط به آب‌های جنوب کشور معطوف نماند. سرپرسی سایکس، ژنرال و مورخ انگلیسی، روایت جالبی از تلاش‌های نادرشاه در ایجاد نیروی دریایی در سواحل شمالی ایران دارد و در کتاب «تاریخ ایران» نوشته است: «نادر در ژانویه ۱۷۴۳ میلادی، مصادف با دی‌ماه ۱۱۲۱ خورشیدی، فردی انگلیسی به نام جان التون را که برای تجارت به ایران آمده بود، با لقب جمال بیگ به عنوان مسئول کشتی‌سازی ایران منصوب کرد. جان التون تنها به کشتی‌سازی اکتفا نکرد و به دستور شاه سواحل شرقی دریای مازندران تا جزیره جلنک [چهارکان] را بررسی کرد و اندازه گرفت. منظور نادر جلوگیری از راه‌زنی ترکمن‌ها و تأسیس استحکامات ساحلی برای حفظ حقوق ایران در آن جهات بود. به علاوه او امیدوار بود ایجاد نیروی دریایی در دریای

نادر و اولین نیروی مدرن دریایی



ناو جنگی فرماندهی ۳۰ توپ نیروی دریایی امپراتوری افشاری

۵هزار تومان برای نیروی دریایی ایران خرید. از آنجا که در این مقطع زمانی نیروی دریایی ایران تجهیزات بسیار مناسبی داشت، لطیف‌خان از فرصت استفاده کرد و بعد از محاصره جزیره بحرین، آن را تصرف کرد. پس از آن نادرشاه به لطیف‌خان و نیروی دریایی ایران مأموریت داد سیف بن سلطان دوم، حاکم عمان را سرکوب کنند. این مأموریت نیز با موفقیت انجام شد و عمان نیز به دست نیروی دریایی ایران تصرف شد. در جریان فتح عمان، ماجرای جالبی رخ داد. محمدتقی‌خان، حاکم ایالت فارس، در ابتدای لشکرکشی به عمان کمک چندانی به لطیف‌خان نکرد که به شدت مورد خشم نادرشاه قرار گرفت. محمدتقی‌خان بلافاصله برای جلوگیری از خشم نادر و برای رفع کدورت لطیف‌خان، همه کشتی‌های هلندی و انگلیسی مستقر در بنادر ایران را مجبور به همکاری با نیروی دریایی ایران کرد.

بعد از فتح عمان، رقابت بین لطیف‌خان و محمدتقی‌خان بالا گرفت و لطیف‌خان، دریاسالار شایسته نیروی دریایی ایران، به وسیله معاون خود، محمدتقی‌خان، مسموم شد و کارخانه‌های اسلحه‌سازی رادر اصفهان بنیان گذاشت. بعد از احداث نخستین کارخانه اسلحه‌سازی بود که صنعتگران تلاش کردند استادی خود را در ساختن تفنگ‌های سریر فیتیه‌ای به نمایش بگذارند. یکی از این تفنگ‌ها، تفنگ بزرگ و سنگینی بود که نام «شمخال» بود که دهانه لوله آن حدود ۲۵ میلی‌متر بود و به سبب سنگینی اش، دو شمشالچی آن را حمل می‌کردند و بیشتر در دژها و برج و باروی شهرها استفاده می‌شد. جریان ساخت سلاح‌های جنگی در اواخر دوران صفوی کم‌رنگ یا حتی متوقف شد اما پس از آن‌ها، نادرشاه افشار بازسازی نیروی نظامی کشور را و وجهه همت خود ساخت و توانست توپخانه قدرتمند و توانایی را برپا دارد؛ ضمن اینکه در اواخر حکومت صفوی و اوایل حکومت نادرشاه، به تدریج با تکمیل سلاح‌ها، برای راحتی نشانه‌روی و سهولت کار، چخماق نیز ابداع شده بود. فیتیه‌ای روشن روی چخماق قرار می‌گرفت و هنگام شلیک، آتش فیتیه با سوراخ مخزن باروت تماس می‌یافت و تفنگ شلیک می‌شد. اما از آنجا که روشن نگه داشتن فیتیه و انتظار فرصت تیراندازی، مخصوصاً در هوای بارانی، کاری دشوار و گاهی ناممکن بود، به تدریج تفنگ‌های سنگ چخماقی وارد عرصه نبردها

بکشاند. آن‌گاه شلیک کنند.

نادرشاه توانست به خوبی از این سلاح استفاده کند و صفوف منظمی از زنبورکچیان تشکیل دهد. آن‌ها برای حمل زنبورک از شتر کمک می‌گرفتند، بدین ترتیب که روی کوهان شتر جهاز مخصوصی قرار می‌دادند و زنبورک روی آن نصب می‌شد و در همان محل نیز آن را شلیک می‌کردند. تبحر آن‌ها به حدی بود که این کار را در حال حرکت نیز به خوبی انجام می‌دادند و با تغییر جای سریع می‌توانستند بی‌نظمی را به سپاه دشمن ببندازند.

نکته جالب این بود که شترها طوری تربیت شده بودند که صدای شلیک، آن‌ها را آزار نمی‌داد و تنها هنگامی که در عرصه جنگ زخم بر می‌داشتند، سر از عنان زنبورکچی بر می‌تافتند و گاهی پیش می‌آمد که صاحبان خود را هلاک می‌کردند.

مازندران دشمنان را هراسان کند و این نیرو بتواند در جنگ با لژگی‌ها به او یاری برساند. گذشته از این، نادر قصد تجارت و استوار کردن حاکمیت ایران در دریای مازندران را داشت. از نکات جالب توجه، انتخاب مکان مناسب از سوی التون برای ساخت پایگاه نیروی دریایی بود؛ منطقه‌ای که التون برای ساخت کشتی انتخاب کرد تقریباً منطق به منطقه چهارم فعلی نیروی دریایی است. التون نابغه بود، او لنگرود و بندر لاهیجان را مرکز فعالیت خود قرار داد و به رغم بد آب و هوا شروع به کار کرد. الوار از جنگل‌ها برید، بادبان‌ها را از پنبه بافت و ریسمان از کف رشته شد. لنگر در ایران پیدا نمی‌شد و از ته دریا و کشتی‌های غرق‌شده آن را پیدا کرد. البته مردم محلی از این کار بی‌مزه به شدت ناراحت بودند. ولی بالاخره التون موفق به ساخت یک کشتی در دریای شمالی ایران شد. این کشتی مجهز به بیست توپ ۲۲ پوندی بود. او سپس دوناوچه و چهار کشتی کوچک دیگر ساخت. چهار قایق دیگر نیز در دست ساخت بود که یکی از آن‌ها به دست روس‌ها که از فعالیت جان التون در سواحل شمالی ایران ناراضی بودند، در سال ۱۱۲۸ خورشیدی به آتش کشیده شد.» از نکات جالب توجه وفاداری فراوان التون انگلیسی به دولت ایران و شخص نادرشاه بود. سایکس در این مورد نوشته است: «بعد از مدتی شروع فعالیت‌های او در سواحل شمالی ایران، وزیر مختار انگلستان در سنت پترزبورگ که از قدرت‌گیری نیروی دریایی ایران نگران بود، مبالغه‌هنگفتی به التون پیشنهاد کرد تا او را راضی به ترک نیروی دریایی سلطنتی ایران کند. اما این انگلیسی لجوج حاضر به ترک ایران نشد. نادر که به خوبی از فشارها مطلع بود، حکمی صادر کرد که نشان از قدرشناسی وی از اقدام‌های این مرد انگلیسی‌تبار داشت. در حکم آمده بود: «شایسته‌ترین مرد اجازه ندارد ایران را ترک کند، چون لازم است در نوروز آینده در دربار ما حضور یابد و کارهای ناوگان ما را بر مبنای صحیحی سروصورت دهد.» اما حیف که با کشته شدن خود نادر نیروی دریایی ایران بار دیگر به حال خود رها شد.